



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته: تاریخ ایران اسلامی

عنوان پایان نامه:

تاریخ نگاری ابوالقاسم کاشانی (القاشانی)

دانشجو:

حمید آزاد

استاد راهنما:

دکتر سیدابوالفضل رضوی

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده علوم انسانی

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای **حمید آزاد** با عنوان: **تاریخ نگاری ابوالقاسم کاشانی (القاشانی)**

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	دانشیار	دکتر سید ابوالفضل رضوی	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر سید هاشم آقاجری	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر مهدی گلجان	۳- استاد ناظر (داخلی)
	استاد	دکتر محمدمیر شیخ نوری	۴- استاد ناظر (خارجی)
	استادیار	دکتر مهدی گلجان	۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته تاریخ ایران اسلامی است که در سال ۱۳۹۱

در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی، مشاوره جناب آقای دکتر سیدهاشم آقاجری از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب حمید آزاد دانشجوی رشته تاریخ ایران اسلامی مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب حمید آزاد دانشجوی رشته تاریخ ایران اسلامی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۹ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ:.....



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته: تاریخ ایران اسلامی

عنوان پایان نامه

تاریخ نگاری ابوالقاسم کاشانی (القاشانی)

دانشجو:

حمید آزاد

استاد راهنما:

دکتر سیدابوالفضل رضوی

استاد مشاور:

دکتر سیدهاشم آقاجری

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به

پدرم،

که از او، تنها خاطره ای ماند به وسعت خورشید،

و یادگار ارزشمنش

خانواده،

که با مهربانی های شان، همواره رهکشای من بوده اند.

سپاس‌گزاری

بر خود واجب می‌دانم که از زحمات، راهنمایی‌ها و تمامی عنایاتی که استاد ارجمند جناب آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی به عنوان استاد راهنما نسبت به بنده داشته‌اند، نهایت سپاس‌گزاری را داشته باشم.

همچنین سپاس‌گزاری ویژه دارم از تمامی دل‌سوزی‌ها و عنایات استاد ارجمند جناب آقای دکتر سیدهاشم آقاجری که نه تنها مشاوره‌ی این رساله را تقبل نمودند، بلکه راهنمای علمی بنده و بسیاری از دانش‌پژوهان در مقطع تحصیلات تکمیلی بوده‌اند.

از تمامی دوستانی که یاری‌رسان بنده در این پژوهش بوده‌اند به‌ویژه آقایان سپنتا سبحانی، امین تریان، امین نظام‌الاسلامی و مصطفی متانت و همچنین خانم عابدینی کتابدار کتابخانه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس کمال سپاس‌گذاری را دارم.

چکیده

جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله کاشانی، کاتب و مورخ دربار ایلخانان در دوره‌ی غازان، اولجایتو و ابوسعید است که از خانواده‌ای هنرمند (کاشی‌ساز) با مذهب تشیع از شهر کاشان برخاسته‌است. از او سه اثر بر جای مانده- است: دو اثر تاریخ‌نگارانه با نام‌های زبده‌التواریخ در تاریخ عمومی و تاریخ اولجایتو که تک‌نگاری است؛ و یک اثر غیرتاریخ‌نگارانه با نام عرایس‌الجواهر و نفایس‌الاطیاب در جواهر، عطریات و صنعت کاشی‌سازی. این پژوهش برآن است تا با شناخت بینش دینی و تاریخی، رویکرد انتقادی، نگرش هویت‌گرایانه، رهیافت اجتماعی و نیز روش کاشانی در تاریخ‌نگاری به دو مسأله‌ی اساسی پاسخ دهد. در مسأله‌ی نخست این پژوهش به دنبال این می‌باشیم که پس از تحلیل بینش و روش کاشانی در تاریخ‌نگاری، تمایزات وی را از سایر تاریخ‌نگاران این عصر (تحت عنوان خود-ویژگی‌ها)، و نیز دلایلی که منجر به این تمایزات شده‌اند شناسایی کنیم. در این پژوهش خواهیم دید که بسیاری از این خود-ویژگی‌ها از جمله اهتمام به مسأله‌ی همچون غصب حق ائمه‌ی اثنی عشری، انتقاد از خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس به خاطر آزار و اذیت علویان و عدم اجرای شریعت اسلامی توسط ایشان، حمایت گسترده از خلفای فاطمی مصر، و نیز تفصیل خبر تغییر مذهب غازان و اولجایتو از تسنن به تشیع، تحت تأثیر نگرش شیعی این مورخ شکل گرفته‌اند.

مسأله دیگر این پژوهش این می‌باشد که تاریخ‌نگاری کاشانی با وجود ویژگی‌هایی که برای آن برشمرده- شده‌است تا چه‌اندازه متأثر از تاریخ‌نگاری پیش‌ایلخانی و دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی ایلخانی و به طور کلی شرایط جدید پس از سقوط خلافت عباسی بوده‌است. در پاسخ به این مسأله در یک نتیجه‌گیری کلی خواهیم دید که بینش مذهبی و دینی کاشانی در تاریخ‌نگاری، متأثر از فضای تساهل‌آمیز عصر ایلخانی بوده که به وی اجازه داده‌است تا رویدادهای تاریخی را بر اساس جهان‌بینی و عقاید شیعی خویش تبیین کند. علاوه بر این نگرش هویت‌گرایانه‌ی وی، به‌مانند سایر مورخان این دوره متأثر از سقوط خلافت عباسی و برآمدن حکومتی مستقل از اندیشه خلافت عربی در ایران بوده که باعث شده‌است تا کاشانی با استفاده از اندیشه‌ی ایران‌شهری و حتی شیعی خود، غازان و اولجایتو را بر جایگاه پادشاهان شیعی ایرانی بنشانند. با این وجود، جمع‌بندی کلی پژوهش پیش‌رو این است که در مجموع مبانی فکری و روشی کاشانی در تاریخ‌نگاری و اهتمام به مواردی همچون روایت تاریخ در پرتو مشیت‌الهی، نگرش نخبه‌گرایی و پرداختن به تاریخ سیاسی و مذهبی و عدم انعکاس جامعه در تاریخ‌نگاری، ادامه‌ی همان سنن تاریخ‌نگاری پیش‌ایلخانی بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، عصر ایلخانی، ابوالقاسم عبدالله کاشانی، بینش و روش تاریخ‌نگارانه

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۴	بخش یکم: کلیات
۵	فصل یکم: مبانی پژوهش
۶	۱،۱ بیان مسئله
۷	۲،۱ پرسش‌ها
۷	۳،۱ فرضیه‌ها
۷	۴،۱ اهداف پژوهش و ضرورت‌ها
۸	۵،۱ مواد و روش انجام پژوهش
۸	۶،۱ پیشینه پژوهش و جنبه نوآوری
۸	۷،۱ مفاهیم عملیاتی پژوهش
۱۱	فصل دوم: بررسی منابع و مآخذ
۱۲	درآمد
۱۲	۱،۲ منابع تاریخ‌نگارانه
۱۳	۲،۲ منابع غیرتاریخ‌نگارانه
۱۴	۳،۲ پژوهش‌های معاصر
۱۸	بخش دوم: درآمدی بر تاریخ‌نگاری عصر ایلخانان

فصل یکم: مبانی فکری در تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی..... ۱۹

۱،۱ ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در عهد ایلخانان..... ۲۰

۲،۱ نگرش هویتی مورخان عهد ایلخانی..... ۲۴

فصل دوم: علل گسترش تاریخ‌نگاری در عصر ایلخانی..... ۲۷

درآمد..... ۲۸

۱،۲ رویدادهای مهم..... ۳۰

۲،۲ نقش مغولان در گسترش تاریخ‌نگاری..... ۳۵

۳،۲ گسترش افق تاریخی و جهان‌نگری مورخان ایرانی..... ۳۸

۴،۲ نقش دولت‌مردان فرهیخته‌ی ایرانی در گسترش تاریخ‌نگاری..... ۴۰

فصل سوم: گستره‌ی تاریخ‌نگاری در عصر ایلخانی..... ۴۵

درآمد..... ۴۶

۱،۳ تاریخ‌های دودمانی..... ۴۶

۲،۳ تاریخ‌های عمومی..... ۵۴

۳،۳ تاریخ‌های محلی..... ۶۴

بخش سوم: بینش و روش در تاریخ‌نگاری کاشانی..... ۶۹

فصل یکم: زندگی‌نامه کاشانی..... ۷۰

۱،۱ زندگی‌نامه..... ۷۱

۲،۱ بررسی ادعای کاشانی درباره جامع‌التواریخ..... ۷۳

فصل دوم: بینش تاریخی و دینی در تاریخ‌نگاری کاشانی..... ۷۸

درآمد	۷۹
۱,۲ تاریخ از دیدگاه کاشانی	۸۰
۲,۲ کالبدشکافی گفتمان دینی کاشانی	۸۴
۳,۲ دیدگاه کاشانی درباره فاطمیان	۱۰۱
۴,۲ دیدگاه کاشانی درباره نزاریان ایران	۱۰۶
۵,۲ تحلیل واقعه تغییر مذهب اولجایتو از نگاه کاشانی	۱۱۴
۶,۲ نخبه‌گرایی در تاریخ‌نگاری کاشانی	۱۲۴
۷,۲ تقدیرگرایی در تاریخ‌نگاری کاشانی	۱۳۳
فصل سوم: بینش انتقادی در تاریخ‌نگاری کاشانی	۱۴۰
درآمد	۱۴۱
۱,۳ بینش انتقادی در زبده‌التواریخ	۱۴۲
۱,۱,۳ تاریخ‌نگاری انتقادی فاطمیان به روایت کاشانی	۱۴۳
۲,۱,۳ تاریخ‌نگاری انتقادی نزاریان به روایت کاشانی	۱۵۷
۲,۳ بینش انتقادی کاشانی در تاریخ اولجایتو	۱۶۳
۱,۲,۳ روایت انتقادی کاشانی از یاغیان (داخلی و خارجی) و سایر طبقات	۱۶۴
۲,۲,۳ دیدگاه انتقادی کاشانی از دیوان‌سالاران (وزرا)	۱۷۲
۱,۲,۲,۳ روایت انتقادی کاشانی از قتل سعدالدین وزیر	۱۷۴
۲,۲,۲,۳ دیدگاه ضد یهودی کاشانی نسبت به رشیدالدین فضل‌الله	۱۷۷
فصل چهارم: بینش هویت‌گرایانه در تاریخ‌نگاری کاشانی	۱۸۷
درآمد	۱۸۸

۱۹۰.....	۱,۴	نمایش هویت ایرانی در زبده‌التواریخ
۱۹۳.....	۲,۴	نمایش هویت ایرانی در تاریخ اولجایتو
۱۹۵.....	۱,۲,۴	صفات پادشاه ایرانی از نظر کاشانی
۲۰۱.....	۲,۲,۴	ایران تاریخی و دشمنان آن
۲۰۷.....	۳,۲,۴	تداوم کشمکش دو ساخت اجتماعی مرکز‌گرا و قبیله‌گرا
۲۱۱.....		فصل پنجم: رویکرد اجتماعی در تاریخ‌نگاری کاشانی
۲۱۲.....		درآمد
۲۱۳.....	۱,۵	اندیشه‌ی اجتماعی کاشانی
۲۲۱.....	۲,۵	اقتصاد در تاریخ‌نگاری کاشانی
۲۲۵.....		فصل ششم: روش در تاریخ‌نگاری کاشانی
۲۲۶.....		درآمد
۲۲۶.....	۱,۶	روش کاشانی در زبده‌التواریخ
۲۳۳.....	۲,۶	روش کاشانی در تاریخ اولجایتو
۲۳۳.....	۱,۲,۶	نمایی کلی از تاریخ اولجایتو
۲۳۷.....	۲,۲,۶	شیوه روایت کاشانی در تاریخ اولجایتو
۳۴۵.....	۳,۶	منابع و مآخذ کاشانی
۲۵۰.....		نتیجه‌گیری
۲۵۳.....		فهرست منابع و مآخذ
۲۶۰.....		چکیده انگلیسی

بینش و روش، و به عبارتی دیگر نگرش و نگارش، واژه‌هایی از هم مجزاً و متفاوت‌اند؛ اما در بررسی تاریخ-نگاری یک ملت و یا یک دوره یا یک فرد، بسیار به هم وابسته و متأثر از یکدیگرند. به عبارتی دقیق‌تر، این بینش مورخ است که بر روش تاریخ‌نگاری او تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود اثر تاریخ‌نگارانه‌ی خویش را در قالبی خاص و متفاوت با دیگران ارائه دهد. بر این اساس، ما در زمان حال، گذشته‌ی تاریخی را از دریچه‌ی بینشی و منظومه‌ی فکری او می‌بینیم که در شکل‌گیری آن عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند. با این سخن، مسلماً اگر یک پژوهشگر تاریخ فقط به متن یک تاریخ‌نگار رجوع کند و آن را در خلاء بررسی کند، در شناخت گذشته‌ی تاریخی ناکام خواهد ماند؛ بلکه باید یک متن تاریخی را با کمک گرفتن از رهیافت هرمنوتیکی، شناخت ذهنیت مورخ و نیز فضای سیاسی-اجتماعی‌ای که آن متن در آن شکل گرفته بررسی کرد، تا بتوان از دریچه‌ی تنگ بینشی یک تاریخ‌نگار فراتر رفت و بر قسمت بیشتری از واقعیات تاریخی اشراف پیدا کرد.

بر این اساس، این پژوهش برآن است تا با کمک گرفتن از اصول و مبانی بررسی تاریخ‌نگاری به بررسی بینش و روش تاریخ‌نگاری ابوالقاسم عبدالله کاشانی بپردازد و به سوال اصلی پژوهش یعنی خود-ویژگی‌ها (تفاوت‌ها و علل و دلایل آن) و تشابهات کاشانی در تاریخ‌نگاری با سایر مورخان دوره‌ی ایلخانی، و در کل با سنت تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی پاسخ دهد. اما انگیزه‌ی دیگری نیز، باعث به وجود آمدن این پژوهش شده است، و آن این است که این تاریخ‌نگار نسبت به سایر مورخان این دوره ناشناخته مانده است و با توجه به ادعای واهی‌ای که در مورد انتساب جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی به خود کرده است جایگاه مناسبی در تاریخ‌نگاری دوره ایلخانی برای او در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که او از همکاران رشیدالدین در تالیف جامع‌التواریخ بوده است و علاوه بر این سه اثر از خود برجای گذاشته است که عبارتند از: زبده‌التواریخ در تاریخ عمومی، تاریخ اولجایتو که تک‌نگاری‌ای است درباره‌ی سلطان اولجایتو و نیز عرایس-الجواهر و نفایس‌الاطایب اثری در معرفت احجار، عطریات و صنعت کاشی‌سازی. بنابراین با پژوهش پیش‌رو، جایگاه مناسبی نیز برای کاشانی در تاریخ‌نگاری دوره ایلخانی تعریف خواهد شد.

تقسیم‌بندی صورت گرفته در این رساله، براساس سوالات و اهداف این پژوهش، در نظر گرفته شده است. این پژوهش از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول مربوط به کلیات و مبانی پژوهش است و شامل دو فصل می‌باشد. در فصل یکم این بخش با عنوان مبانی پژوهش پس از بیان مسئله، دو پرسش اصلی این پژوهش و فرضیاتی که برای آن‌ها پیش‌بینی شده است مطرح شده‌اند و سپس به روش و نیز پیشینه‌ی

پژوهش اشاره شده است. به خاطر اهمیت نقد منبع در پژوهش‌های تاریخی، فصل دوم این بخش نیز به بررسی منابع و مآخذ به کار رفته در این رساله اختصاص یافته است. در این فصل تعدادی از مهم‌ترین منابع و نیز پژوهش‌های معاصر در قالب کتاب، مقالات و رسالات دانشجویی که در این پژوهش از آن‌ها بهره برده شده است بررسی و معرفی شده‌اند.

بخش دوم این پژوهش با عنوان درآمدی بر تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی برای ورود به موضوع اصلی پژوهش یعنی بخش سوم در نظر گرفته شده است. این بخش متشکل از سه فصل می‌باشد که مسلماً مخاطب این رساله، با شناخت فضای کلی تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی که بر عهده‌ی این بخش است، بهتر می‌تواند دریابد که کاشانی به‌عنوان یکی از مورخان دوره‌ی مذکور در چه فضای تاریخ‌نگارانه‌ی اقدام به تحلیل رویدادهای تاریخی بر اساس بینش شیعی خویش نموده است. در فصل اول این بخش، به مبانی فکری و نظری در تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی همانند تقدیرگرایی، قهرمان‌پروری و نخبه‌گرایی و نیز احیای هویت ایرانی که یکی از ویژگی‌های مهم آثار تاریخ‌نگارانه در این دوره می‌باشد پرداخته است. در فصل دوم، علل گسترش تاریخ‌نگاری به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های دوره‌ی مذکور مورد بحث واقع شده است، و علل موثر را در دو حوزه عوامل بیرونی (نقش مغولان)، و درونی (نقش مورخان دیوانی و حمایت دیوان‌سالاران ایرانی) مورد بررسی قرار داده است. فصل سوم در بخش مذکور نیز به تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی در سه قالب تاریخ‌نگاری عمومی، سلسله‌ای و محلی پرداخته و سعی شده است تا از مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگارانه‌ی این دوره در سه قالب مذکور، شناختی اجمالی به دست‌آید.

بخش سوم این رساله مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش این پژوهش می‌باشد که در آن به تفصیل به مختصات تاریخ‌نگاری کاشانی پرداخته است. این بخش از شش فصل تشکیل یافته است. فصل اول، برای ارائه‌ی شناختی اجمالی از این مورخ به زندگی‌نامه و بررسی ادعای وی در مورد جامع‌التواریخ پرداخته است. فصل دوم به بینش تاریخی و دینی کاشانی در تاریخ‌نگاری اختصاص یافته است که به همراه فصل سوم تحت عنوان بینش انتقادی در تاریخ‌نگاری کاشانی از مهم‌ترین فصول این بخش می‌باشند. در بینش تاریخی و دینی کاشانی به تحلیل مسائل تاریخی و دینی به‌ویژه تاریخ اسلام و تاریخ تشیع از دیدگاه کاشانی که بر اساس جهان‌بینی و عقاید شیعی و نیز جهان‌بینی خاص خود وی صورت گرفته است، پرداخته خواهد شد. فصل سوم به بینش انتقادی کاشانی اختصاص یافته است. این فصل به رویکرد علی و به عبارتی چگونگی تحلیل مسائل مختلف بر اساس تبیین علی و نیز علل مؤثر بر این نوع تبیین از دیدگاه کاشانی پرداخته است. فصل چهارم این پژوهش نیز بینش هویت‌گرایانه در تاریخ‌نگاری کاشانی را مورد بررسی قرار داده است. مطالب این فصل نشان می‌دهد که کاشانی تحت تأثیر دگرگونی‌های سیاسی و فرهنگی به وجودآمده در این عصر همانند سایر مورخان این

دوره و حتی بیشتر از بسیاری از ایشان تلاش زیادی در جهت بازیابی هویت تاریخی ایرانی از خود نشان داده‌است. فصل پنجم بخش سوم نیز به اندیشه‌ی اجتماعی و اقتصادی کاشانی و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری اختصاص یافته‌است. این فصل بر آن است تا به نگرش اجتماعی کاشانی و به طور کلی نگاه او به جایگاه جامعه و گروه‌هایی که در آن زندگی می‌کردند و نیز بازتاب و یا عدم بازتاب این مسائل در تاریخ‌نگاری وی و علل مؤثر بر آن بپردازد. فصل ششم این بخش به عنوان آخرین قسمت در این رساله به روش در تاریخ‌نگاری پرداخته و کوشیده‌است تا روش‌ها و شیوه‌های خاص کاشانی را در گزارش‌ها و روایات تاریخی به منظور انتقال عقاید و نگرش شیعی خویش به مخاطبان بررسی کند. در آخرین قسمت این رساله تحت عنوان نتیجه-گیری نیز به جمع‌بندی از نتایج حاصل از این پژوهش و به عبارتی خود-ویژگی‌های کاشانی در تاریخ‌نگاری و علل مؤثر بر آن اشاره خواهد شد.

در پایان این مقدمه ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

- به خاطر چاپ‌نشدن کامل زبده‌التواریخ کاشانی و نیز رونویس بودن بیشتر قسمت‌های آن از آثار مورخان متقدم خویش، در بررسی تاریخ‌نگاری کاشانی و تفسیر و تحلیل زبده‌التواریخ وی، غالباً بر تاریخ اسماعیلیه‌ی این اثر که به چاپ رسیده‌است تکیه شده‌است، ولی در قسمت‌هایی که ضروری می‌نموده‌است به نسخه‌ی خطی این اثر نیز رجوع شده‌است.

- در این پژوهش برای تحلیل و تفسیر بینش و روش کاشانی سعی شده‌است تا آثار کاشانی با آثار مورخان فارسی‌نویس این دوره به ویژه چهار مورخ برجسته‌ی آن یعنی جوینی، رشیدالدین فضل‌الله، و صاف و حمدالله مستوفی مقایسه شود. بنابراین علاوه بر روش تحلیلی-تفسیری، در این پژوهش از روش مقایسه‌ای-استنتاجی نیز استفاده شده‌است.

- شیوه‌ی ارجاعات در این پژوهش به صورت درون‌متنی در نظر گرفته شده‌است؛ علاوه بر این، توضیحات بسیار اندک حاشیه‌ای نیز در داخل متن و درون پرانتز قرار گرفته‌است.

بخش یکم: کلیات

فصل یکم: مبانی پژوهش

۱،۱ بیان مساله

تهاجم مغول به ایران و پیدایش حکومت ایلخانان در اندک زمانی پس از آن، به سبب دگرگونی‌هایی که در خود داشت، عصر متفاوتی را در تاریخ ایران رقم زد. دگرگونی‌های سیاسی و فرهنگی این عصر به گونه‌ای بود که در خدمت احیای هویت ایرانی قرار گرفت و با اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی و به ویژه ادبیات منظوم حماسی، گفتمان متفاوتی را در جامعه رقم زد. فارغ از برخورد سلبی یا ایجابی با دگرگونی‌های ایران عصر ایلخانان، یکی از ویژگی‌های فرهنگی این عصر، رشد کمی و کیفی تاریخ‌نگاری است. صرف نظر از کمیّت منابع تاریخ‌نگارانه‌ی این عصر، کیفیت منابع تاریخ‌نگارانه و ماهیت خاص برخی از این منابع از وجود شرایطی متفاوت حکایت دارد. این شرایط که بر سبک و ماهیت تاریخ‌نگاری و مهم‌تر از آن بینش و روش تاریخ‌نگاران این عصر تأثیر به‌سزایی داشته‌است، بی‌تردید بر بینش و روش تاریخ‌نگارانه‌ی ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد کاشانی (القاشانی) نیز تأثیرگذار بوده‌است. کاشانی به عنوان یکی از کارگزاران عصر ایلخانی به هر سه سلطان مسلمان ایلخانی - غازان، اولجایتو و ابوسعید - خدمت نموده‌است. کاشانی نیز همانند دیگر مورخان این دوره، مورخ و اندیشمند پرکاری بوده‌است و دو اثر از سه اثر باقی مانده وی یعنی تاریخ اولجایتو و زبده‌التواریخ ماهیت تاریخ‌نگاری دارد. اثر سوم کاشانی موسوم به عرایس‌الجواهر و نفایس‌الاطیاب در باب معادن، جواهر و فن کاشی‌کاری نیز از جمله منابع تاریخی این عصر قلمداد می‌شود. اما آن چه که کاشانی را از غالب مورخان این دوره متمایز می‌سازد، تعلقات مذهبی شیعی او و نیز پرداختن به برخی مسایل فرهنگی و اجتماعی است که به تاریخ‌نگاری او رنگ و جلای خاصی بخشیده‌است. علاوه بر این او تنها کسی است که در آثار خود ادعا کرده‌است مؤلف واقعی جامع‌التواریخ است و خواجه رشیدالدین فضل‌الله را متهم به سرقت این اثر نموده‌است.

سبک و ماهیت تاریخ‌نگارانه‌ی خاص کاشانی با در نظر داشتن نگرش شیعی و ادعایی که در خصوص جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی مطرح کرده‌است، و همچنین تأثیر شرایط عصر ایلخانی بر بینش و روش تاریخ‌نگارانه‌ی وی، مسئله‌ای است که پژوهش حاضر قصد بررسی آن را دارد. به عبارتی دیگر، این پژوهش بر آن است تا تأثیر تعلقات مذهبی و پایگاه اجتماعی و فرهنگی این مورخ را بر تاریخ‌نگاری وی که باعث تفاوت‌هایی با دیگر تاریخ‌نگاری‌های این عصر شده، و نیز تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی دوره ایلخانی را بر تاریخ‌نگاری وی که منجر به هم‌سنخی بینش و روش او با بینش و روش دیگر مورخان این دوره شده‌است، بررسی کند. در این جهت، ضمن مروری کلی بر گفتمان تاریخ‌نگارانه‌ی عهد ایلخانان، سعی در بررسی تاریخ‌نگاری ابوالقاسم کاشانی می‌شود و با در نظر داشتن شاخصه‌هایی مشخص، ماهیت و سبک تاریخ‌نگارانه‌ی این مورخ مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲,۱ پرسش‌های پژوهش

- تاریخ‌نگاری ابوالقاسم کاشانی، دارای چه خود-ویژگی‌هایی است و این خود-ویژگی‌ها تحت‌تأثیر چه عواملی صورت گرفته‌است؟

- با وجود خود-ویژگی‌های کاشانی، تاریخ‌نگاری وی تا چه اندازه متأثر از سنن تاریخ‌نگاری پیش از ایلخانی و تا چه اندازه متأثر از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی این عصر است؟

۳,۱ فرضیه‌ها:

- با توجه به تعلق خاطر کاشانی به مذهب تشیع، پایگاه اجتماعی او -که برخاسته از خانواده‌ای کاشی‌کار و هنرمند است- و نیز جایگاه او در دربار ایلخانی نسبت به سایر مورخان این دوره، و همچنین اتهامی که کاشانی بر خواجه رشیدالدین فضل‌الله وارد کرده‌است، تاریخ‌نگاری او دارای خود-ویژگی‌هایی است که او را از سایر مورخان این دوره جدا می‌کند. این خود-ویژگی‌ها را می‌توان در توجه او به مسایل اعتقادی تشیع، و نیز برخی از مسایل اجتماعی و فرهنگی و همچنین اهتمام او به علوم و فنون در کنار حرفه تاریخ‌نگاری و نیز سبک ساده و عاری از تکلفات ادبی مشاهده نمود.

- هر چند که کاشانی دارای رویکرد اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی خاص و نیز سبک ساده در تاریخ‌نگاری نسبت به وصاف و جوینی است، اما به خاطر تشابهات فراوان تاریخ‌نگاری او با تاریخ‌نگاری‌های دوره ایلخانی، نظیر بینش دینی تقدیرگرایانه و ماهیت تاریخ‌نگاری درباری -که ادامه‌ی همان سنن تاریخ‌نگارانه‌ی دوره‌های پیشین بود-، و نیز تشابهاتی نظیر اندیشه‌ی ایران‌شهری که متأثر از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی دوره ایلخانی بود، بینش و روش او را باید ادامه‌ی همان سنن پیشین تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی، با تأثیرپذیری از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی دوره ایلخانی دانست.

۴,۱ اهداف پژوهش و ضرورت‌ها

بررسی بینش و روش کاشانی در تاریخ‌نگاری و مقایسه‌ی آن با سایر مورخان عصر ایلخانی به‌ویژه از جهت تفاوت بینش مذهبی و انعکاس این بینش در تاریخ‌نگاری، مهم‌ترین هدف پژوهش پیش‌رو می‌باشد. ضرورت این پژوهش در این است که کاشانی در عصر گذار و دگرگونی‌های ایلخانی، تنها فرد ایرانی شیعی است که به